



www.ketab.ir

سرشناسه	: عباس پور، ابراہیم ۱۳۵۵
عنوان و نام پدیدآور	: تبیین جامعہ شناخت خلافت: (بررسی انتقادی نظریہ ابن خلدون) // مولف ابراہیم عباس پور.
مشخصات نشر	: قم: مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، انتشارات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاہری	: ۴۵۲ ص.
فروست	: مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع): ۱۳۹۲. جامعہ شناسی: ۱۱۳.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۲۰۶-۰
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا.
یادداشت	: کتابنامہ.
عنوان دیگر	: بررسی انتقادی نظریہ ابن خلدون.
موضوع	: ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد ۷۳۲ - ۸۰۸ق. -- دیدارہ درباره خلافت
موضوع	: Ibn Khaldun -- Views on caliphate
موضوع	: ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد ۷۳۲ - ۸۰۸ق. -- نقد و تفسیر.
موضوع	: Ibn Khaldun-- Criticism and interpretation
موضوع	: خلافت.
موضوع	: Caliphate
شناسه افزوده	: مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع). انتشارات.
رده بندی کنگره	: ۲ع۲الف/۷ D۱۱۶
رده بندی دیویی	: ۲۰۲/۹۰۷
شماره کتاب شناسی ملی	: ۵۶۴۳۹۰۷

تبیین جامعه‌شناختی خلافت

(بررسی انتقادی نظریه ابن خلدون)

ابراهیم عباس‌پور

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
(مدرسه عالی)

۱۳۹۸



۱۴۴۲

شمارهٔ ردیف

شمارهٔ موضوعی جامعه‌شناسی - ۱۱۳

۱۳۹۸-۰۸

■ تبیین جامعه‌شناختی خلافت: بررسی انتقادی تاریخی ابن خلدون

● مؤلف: ابراهیم عباس‌پور

● ناشر: انتشارات مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

● چاپ: وفا

● نوبت و تاریخ چاپ: اول، بهار ۱۳۹۸

● شمارگان: ۳۰۰

● قیمت: ۴۷۰۰۰ تومان

● دفتر مرکزی: قم، خیابان شهید، کوی ممتاز، پلاک ۳۸

● تلفن و شماره: ۰۲۵-۳۷۷۴۲۳۲۶

● شعبه تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان ۱۲ فروردین و شهید منیرى جاوید، ساختمان شماره ۳۱۰، طبقه سوم، واحد ۱۱۲

● شابک: ۹۷۸-۶۰-۰۴۴۴۲۰۶۰

● تلفن و شماره: ۰۲۱-۶۶۴۶۶۱۲۱

● شعبه مؤسسه امام خمینی (ع): قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

● تلفن: ۰۲۵-۲۲۱۱۳۶۲۹

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

۵۰۵

۱

۴۵۲

سنگار

تقدیم به:

فائب برحق حضرت ولی عصر، ولی
 امر مسلمین و مقتدای آزادگان عالم،
 امام سیاحی خامنه‌ای که رهنمودهای
 روشنگرانه آن چراغ فروغی است در
 کوره‌راهایی که شیاطین زمان ساخته‌اند.

فهرست مطالب

مقدمه معاونت پژوهش ۱۳

پیشگفتار ۱۷

مقدمه ۲۱

فصل اول: مفروضات

مفاهیم ۴۰

۱. قبیله ۴۰

۲. عصیت ۴۳

۳. طبیعت ۵۰

۴. عمران ۶۰

۵. خلافت ۶۶

بررسی انتقادی ۷۶

فصل دوم: تبیین جامعه‌شناختی نظام خلافت

مقدمه ۸۶

تبیین کلامی - معرفتی خلافت ۹۰

- تبیین فقهی خلافت ۱۰۰
- تبیین جامعه‌شناختی خلافت ۱۱۲
۱. زمینه‌های تاریخی - اجتماعی ۱۱۲
- ۱-۱. واقعیت هویت قبیله‌ای ۱۱۳
- الف) ساختار قبیله ۱۱۵
- ب) هویت‌یابی ۱۲۲
- ج) نسبت متقابل هویت‌ها ۱۲۶
- د) هویت قبیله‌ای ۱۳۰
- ۱-۲. قبیله قریش ۱۳۵
- الف) جغرافیای سیاسی - مذهبی قریش ۱۳۵
- ب) قبیله‌گرایی قریش ۱۳۸
۲. نظریه خلافت ابن‌خلدون ۱۴۴
۳. تبیین جامعه‌شناختی ابن‌خلدون از خلافت ۱۵۴
- تحلیل و جمع‌بندی ۱۶۷

فصل سوم: روش‌شناسی بنیادین نظریه خلافت ابن‌خلدون

- مبانی وجودی غیرمعرفتی ۱۷۴
۱. عوامل فردی ۱۷۴
۲. عوامل اجتماعی ۱۷۶
- مبانی وجودی معرفتی ۱۸۳
۱. مبانی هستی‌شناختی ۱۸۴
- ۱-۱. عام بودن اراده خدا ۱۸۵

۱۸۶.....	۱-۲. اشتراک لفظی وجود.....
۱۸۶.....	۱-۳. جوهر فرد.....
۱۸۸.....	۱-۴. اصل واقعیت.....
۱۸۹.....	۱-۵. تعاقب وقایع و جریان امور در مستقر عادت.....
۱۹۷.....	۱-۶. حسن و قبح شرعی.....
۲۰۰.....	۲. مبانی انسان‌شناختی.....
۲۰۰.....	۲-۱. نفی تأثیر انسان.....
۲۰۲.....	۲-۲. کسب.....
۲۰۴.....	۲-۳. انقیاض؛ وجه تمایز انسان.....
۲۰۸.....	۲-۴. انسان و اجتماع.....
۲۱۰.....	۲-۵. انسان در مدار هستی.....
۲۱۴.....	۳. مبانی معرفت‌شناختی.....
۲۱۵.....	۳-۱. کشف واقعیت.....
۲۲۲.....	۳-۲. تقدم مشاهده بر نظریه.....
۲۲۶.....	۳-۳. اجتهاد و تصویب.....
۲۲۸.....	۳-۴. انکار ارزش شناختاری عقل عملی.....
۲۳۷.....	۳-۵. قدرت و معرفت.....
۲۴۰.....	روش‌شناسی نظریه.....
۲۴۲.....	۱. نقش عقل در فهم ظواهر و عوارض.....
۲۴۷.....	۲. عادت‌الله جای‌گزین نظام علی - معلولی.....
۲۵۹.....	۳. خلافت مبینی بر شوکت.....

۴. وجوب شرعی امامت و ناتوانی عقل در این زمینه..... ۲۶۱
۵. جبرگرایی در تحلیل وقایع اجتماعی..... ۲۶۷
۶. تبعیت امر شرعی از امر وجودی..... ۲۷۳
۷. واقع‌گرایی در مقابل آرمان‌گرایی..... ۲۸۰
- نتیجه‌گیری..... ۲۸۴

فصل چهارم: بررسی و نقد

- نقد معرفتی..... ۲۹۰
۱. نقد مبانی..... ۲۹۱
- ۱-۱. نقد مبانی هستی‌شناختی..... ۲۹۱
- الف) اشتراک لفظی وجود..... ۲۹۱
- ب) جوهر فرد..... ۲۹۲
- ج) انکار ضرورت علی..... ۲۹۶
- ۱-۲. نقد مبانی انسان‌شناختی..... ۳۰۰
- ۱-۳. نقد مبانی معرفت‌شناختی..... ۳۰۵
- الف) منابع و ابزار معرفت..... ۳۰۵
- ب) تحلیل بعد تبیینی نظریه در مصاف با واقعیت..... ۳۱۳
- ج) انکار عقل عملی..... ۳۱۸
- د) تمرکز بر معانی حسی و خیالی و به حاشیه بردن معانی عقلی در عمل..... ۳۱۹
- هـ) خلط بین اراده تشریعی و تکوین..... ۳۲۶
۲. نقد بنایی..... ۳۲۷
- ۲-۱. تقلیل معارف بر عصیبت..... ۳۲۸

۲-۲. توجیه نظری قوم‌گرایی.....	۳۳۱
۲-۳. تطهیر بادیه‌نشینی.....	۳۳۲
۲-۴. محدودیت توان عصیت.....	۳۳۴
۲-۵. عصیت به جای عینیت.....	۳۳۵
۲-۶. تقلیل مشروعیت به مقبولیت.....	۳۴۲
نقد اجتماعی.....	۳۵۱
۱. محوریت امنیت.....	۳۵۱
۲. تقلیل انواع عصیت به عصیت قومی.....	۳۵۹
۳. جبر تاریخی اجتماعی در سپهر جبر الهی.....	۳۶۰
۴. محافظه‌کاری.....	۳۶۳
۵. سوگیری در تاریخ‌نگاری.....	۳۶۸
۶. تناقض‌گویی‌ها.....	۳۷۷
خاتمه	
نتیجه‌گیری.....	۳۸۲
منابع.....	۳۹۵
نمایه‌ها.....	۴۲۵

مقدمه معاونت پژوهش

حقیقت اصلی ترین، جاودانه ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسله مؤمنان و عالمان صادق چه جانها که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل پرستان چه توطئه ها و ترندها که برای محو و مسخ آن نساخته اند. چه تلخ واقعی است مظلومیت حقیقت، و چه شیرین حقیقتی است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، حق سربلند و سرفراز است و باطل از بین رفتنی و نگونسار. این والا و بالاترینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، وامدار کوشش های خالصانه و پایان ناپذیر حقیقت جویانی است که در عرصه نظر و عمل کمر همت محکم بسته و از دام و دانه دنیا رها شده اند، و در این میان نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی، و به ویژه اسلام و پیامبر اکرم (ص) و جانشینان برحق و گرامی او (ع)، برجسته ترین است.

دانشمندان نام آور شیعه رسالت خطیر و بی نظیر خویش را بهره گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیره آن پیشوایان و عرضه آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت پرستان حقیقت گریز دانسته و در این راه دیده ها

سوده و جان‌ها فرسوده‌اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشار فزون از شمار آثار نوشتاری و دیداری و به‌کارگیری انواع ابزارهای پیشرفته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت حقیقت‌خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به‌ویژه عالمان دین، بسیار عظیم‌تر و سخت‌دشووارتر است.

در جهان تشیع پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و نظایر آن کارنامه درخشانی دارند، و تأملات ایشان بر تارک پژوهش‌های اسلامی می‌درخشد. در زمینه علوم طبیعی و تجربی و فناوری‌های جدید نیز پژوهشگران ما تلاش‌هایی چشمگیر کرده، گام‌هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خورشید در جهان نزدیک شده‌اند، و می‌کوشند تا با فعالیت‌های روزافزونشان مقام شایسته خویش را در صحنه علمی بین‌المللی بازیابند. ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی تلاش‌های دانشمندان این مرزوبوم آن‌گونه که شایسته نظام اسلامی است به بار ننشسته و آنان گاه به ترجمه و اقتباس نظریات دیگران بسنده کرده‌اند. در این زمینه کمتر می‌توان ردپای ابتکارات و به‌ویژه خلاقیت‌های برحاسته از مبانی اسلامی را یافت و تا رسیدن به منزلت مطلوب راهی طولانی و پرپاش درپیش است. از این‌رو، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازمان‌دهی معارف اسلامی، کاوش در مسائل علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه اسلامی و تبیین آنها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه است.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌دریغ خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مد ظله العالی» از آغاز تأسیس براساس سیاست‌ها و اهداف ترسیم‌شده از سوی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی «دامت برکاته» به امر پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، راهبردی و کاربردی پرداخته است. معاونت پژوهش مؤسسه برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت دانش‌پژوهان و پژوهشگران، در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده و بحمدالله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حد توان خود به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، پژوهشی است در قلمرو اندیشه اجتماعی مسلمین که با تلاش پژوهشگر ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ابراهیم عباس‌پور نگارش یافته است. هدف اصلی نویسنده ارائه روش‌شناسی انتقادی نظریه خلافت ابن‌خلدون است.

معاونت پژوهش از مؤلف محترم و حجج اسلام والمسلمین آقایان دکتر قاسم ابراهیمی‌پور و دکتر محسن رضوانی که با مطالعه و ارائه نظرهای سودمندشان، بر اتقان و غنای اثر افزوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند منان خواستار است.

معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع

پیشگفتار

مقدمه ابن خلدون در اندیشه اجتماعی مسلمین جایگاه مهمی دارد که می‌توان تبیین جامعه‌شناختی نظام خلافت را مهم‌ترین هدف آن دانست. ابن خلدون با تکیه بر مبانی معرفتی اشعری و با تبیین اجتماعی نظام خلافت، به تثبیت معرفتی آن نظام کمک کرد. اثر پیش رو، نحوه تبیین ابن خلدون از نظام خلافت را واکاوی کرده و نحوه حضور آن مبانی در نظریه خلافت را با کمک گرفتن از روش‌شناسی بنیادین نشان داده است.

این پژوهش چهار فصل دارد. در فصل اول، مفاهیم مرتبط با علم عمران ابن خلدون بررسی می‌شود. فصل دوم، نحوه تبیین اجتماعی ابن خلدون از خلافت را توضیح می‌دهد. نظام خلافت، افزون بر تبیین فقهی و کلامی موجود در جهان اسلام نیازمند تبیین جامعه‌شناختی بود که ابن خلدون با تکیه بر مبانی کلامی اشعری این کار را انجام می‌دهد؛ فصل سوم، به روش‌شناسی نظریه خلافت ابن خلدون می‌پردازد و طی آن روشن می‌شود که چگونه مبانی معرفتی ابن خلدون و کلام اشعری در نظریه خلافت بروز و

ظهور دارد. در فصل چهارم، اندیشه ابن‌خلدون بر مبنای فلسفه صدرایی در سه محور بنایی، مبنایی و اجتماعی ارزیابی و نقادی می‌شود.

اندیشه ابن‌خلدون غالباً در حاشیه دنیای مدرن بازخوانی شده است. و دنیای مدرن نیز با نگاهی به دنیای اسلام اندیشه او را با خود همراه می‌بیند؛ ولی با تمرکز بر مبنای معرفتی و نظری ابن‌خلدون، به نظر می‌رسد این اندیشه در فضای دنیای اسلام و مبنای معرفتی آن قابل تحلیل و فهم است. نوشتار پیش رو، گامی مقدماتی در این مسیر است و بیشک نواقصی دارد که از اندیشمندان بدین علت پوزش می‌طلبم و از ندها و دیدگاه‌هایشان استقبال می‌کنم.^۱

در پایان بر خود لازم می‌دانم از سرورانی که بنده را در انجام این پژوهش یاری کردند، تشکر کنم. اگرچه سپاس و ستایش حقیقی، مخصوص خداوندی است که همواره مشمول رحمت بی‌کرانش بوده‌ام.

از استاد گرانقدر، علامه مصباح یزدی قدردانی می‌کنم که در پرتو اندیشه روشنگرشان، زمینه تحصیل هم‌زمان علوم انسانی در کنار دروس حوزه علمیه فراهم شده و موعظه‌های پدران ایشان زمینه‌ساز شکوفایی اندیشه دانش‌پژوهان است.

از استادان گرانقدری که در طول دوره تحصیل، از خزاین علمی آنها بهره فراوان برده‌ام، قدردانی می‌کنم.

از استاد عزیز، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا که بیشترین بهره علمی خود را مدیون زحمات خالصانه ایشان هستم، تشکر

می‌کنم. از حجج اسلام والمسلمین آقایان دکتر محسن الویری، دکتر قاسم ابراهیمی‌پور، حسن غفاری‌فر، دکتر محسن رضوانی و نصرالله آقاجانی که در غنی‌سازی این اثر زحمت بسیار کشیدند، صمیمانه سپاسگزارم.

همچنین از پدر و مادر ارجمندم که رنج تربیت بنده را به دوش کشیدند و با تحمل سختی‌های زندگی، زمینه رشد و بالندگی‌ام را فراهم کردند، تشکر، و نیز از همکاری و فداکاری همسر مهربان و صبورم در طول دوره تحصیل و تدوین این اثر، خالصانه قدردانی می‌کنم.

ابراهیم عباس‌پور

بهمن ۱۳۹۷

مقدمه

هر نظریه اجتماعی در بدو شکل‌گیری خود تحت تأثیر عوامل مختلفی است. به لحاظ فرهنگی می‌توان به دو عامل مهم در شکل‌گیری و بسط یک نظریه اشاره کرد: اسوسی، زمینه‌ها و اوضاع اجتماعی - فرهنگی جامعه و نظریه در پاسخ به مسائل مطرح در جامعه شکل می‌گیرد؛ از سوی دیگر، عقبه‌ها و مبانی تئوریک که مانند خون در رگ‌های نظریه جاری است و نظریه بر پایه آنها آن شکل می‌گیرد. بنابراین همه نظریه‌های اجتماعی از مسائل اجتماعی و زمینه‌های تاریخی، همچنین از دیدگاه‌های فلسفی و معرفتی اثر می‌پذیرند. در این صورت است که نظریه‌ای خاص در اوضاع خاص تاریخی - اجتماعی مفهولیت می‌یابد و گسترش پیدا می‌کند و به عبارت دیگر اوضاع اجتماعی، نوعی آکنای بروز و ظهور نظریات اجتماعی خاص را دارند تا آن اوضاع و احوال را توجیه، و به صورت اجتماعی تبیین کنند.

ابن‌خلدون، اندیشمند مسلمان سنی‌مذهب با مذهب فقهی مالکی و فرقه کلامی اشعری است که در قرن هشتم هجری علم عمران خود را

بنا کرده است. او با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی و تاریخی جامعه اسلامی و تحت تأثیر آموزه‌های فقهی اهل سنت و عقاید کلام اشعری، نظام خلافت را به صورت جامعه‌شناختی تبیین می‌کند.

حاکمیت سیاسی در جامعه اسلامی پس از پیامبر ﷺ، برآیند اقتدار قبیله‌ای موجود در شبه‌جزیره بود؛ ولی این حاکمیت به دلیل حضور باور و اندیشه دینی در سطح جامعه، ناگزیر از توجیه دینی خود بود. در عین حال رنگ خلافت رسول خدا ﷺ را به خود گرفت و از قداست دینی نیز برخوردار شد. نظام و نظریه خلافت به عنوان انحراف از خط اصیل نبوی در جهان اسلام پدیدار گشت و بسط یافت. حال، این نظریه اگر بخواهد مقبول عام واقع شود و عنایت همگانی یا حداکثری بیابد، باید توجیه و تبیین شود. در جامعه اسلامی، به دلیل رسوخ باورها و اندیشه‌های نبوی و اسلامی، این قضیه باید صبغه دینی به خود گیرد. بنابراین اهل سنت برای رهایی از تنگنای موجود در جامعه در ذیل این نظام، باید به تبیین این نظام پردازند. فقه اهل سنت این قضیه را در نظام خلافت توجیه می‌کند. از این رو از ظرفیت‌های فقه و کلام سنی در جهت توجیه فقهی و کلامی استفاده می‌کردند. ولی این، به تنهایی کافی نیست؛ بلکه استمرار این نظام نیازمند تبیین جامعه‌شناختی است؛ چراکه اگر ابعاد تئوریک آن بازگو نشود، ساختار و چارچوب آن دچار اختلال می‌شود. بنابراین آسیب‌شناسی اجتماعی را می‌طلب تا مشخص شود این نظام چگونه می‌تواند استمرار داشته باشد و چگونه می‌توان جلو کهنوت آن گرفت.

ابن خلدون از ظرفیت‌های فقه و کلام اشعری استفاده می‌کند و نظام خلافت را بر مدار نظریه عصیبت به لحاظ جامعه‌شناختی تبیین می‌کند. در تبیین این موضوع، او به عقبه‌های قبیله‌ای موجود در جامعه عرب توجه، و با تکیه بر غلبه تفکر اموی در جهان عرب، در این ساختار نظریه‌پردازی می‌کند. به عبارت دیگر، ابن خلدون با توجه به وضعیت تاریخی، اجتماعی و فرهنگی که در آن تنفس می‌کرد، به صورت محافظه‌کارانه درصدد توجیه نظامی بود که خود را در قلب و جان جامعه جا انداخته بود. به عبارتی، او از ظرفیت‌هایی که در نظام قبیله‌ای وجود دارد و عصیبت که مهم‌ترین شاخصه آن است، برای تئوریزه کردن و گریز از آفتی که امت اسلامی پس از سقیفه دید، یعنی نظام خلافت، استفاده می‌کند.

این پژوهش، به دنبال بررسی این موضوع است که تبیین جامعه‌شناختی ابن خلدون از نظام خلافت چگونه بوده و از چه ظرفیت‌هایی استفاده کرده است؛ به عبارتی، مؤلفه‌های تبیین جامعه‌شناختی ابن خلدون از نظام خلافت چیست؟ پس از آن، نگاهی انتقادی به این موضوع خواهد داشت؛ زیرا به نظر می‌رسد تبیین جامعه‌شناختی او از خلافت در علم عمران، یکی از آسیب‌های عرصه معرفتی دنیای اسلام است. او با تمسک به طبعی بودن سنت‌الله و جریان امور بر پایه عادت، نظام خلافت را به صورت تکوینی می‌بیند که قابل نقد و تردید نیست. بنابراین باید دید نظریه خلافت و تبیین جامعه‌شناختی او از خلافت چه آسیب‌های معرفتی و غیرمعرفتی به وجود می‌آورد. تبیین و توجیه جامعه‌شناختی او از نظام خلافت می‌تواند

به‌نوعی تأیید مقبولیت سیاسی در نظام‌های سیاسی مدرن باشد که خود را با صبغهٔ دموکراسی معرفی می‌کنند. از سوی دیگر، براساس نظریهٔ ابن‌خلدون، هر حکومتی که با تکیه بر نیروی عصبيت و قدرت ايلي و قبيله‌ای بتواند قدرت را به دست گیرد، مشروعیت خواهد یافت.

همچنین به این موضوع خواهیم پرداخت که عصبيت به عنوان عنصری مهم در نظریهٔ خلدونی، تا چه اندازه با مبانی و آموزه‌های اسلام سازگاری دارد؟ از طرفی، عصبيت و افق تبیینی آن در دنیای معاصر چه جایگاهی دارد؟ رابطهٔ نظریهٔ خلافت ابن‌خلدون با مدینهٔ فاضله چیست؟ عصبيت چگونه در طول تاریخ در خدمت مشروعیت و اقتدار جامعهٔ اسلامی در پرتو مفهوم امنیت قرار گرفته است؟ و... از این منظر است که در طول تاریخ شاهدیم که بنی‌اسیه، بنی‌عباس، عثمانی‌ها، سلجوقی‌ها، خوارزمشاهی‌ها، غزنوی‌ها، مغول‌ها، گورکانی‌ها، قزلباش‌ها، افشاریه، زندیه و قاجار همه در چارچوب مورد نظر ابن‌خلدون به حکومت رسیده و فرمانروایی کرده‌اند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد در جهان سنی - عربی مدرن، تلاش می‌شود ابن‌خلدون جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز بزرگی معرفی شود که در مسیر علم پوزیتیویستی حرکت کرده است و نظریاتی همسو با علم مدرن دارد؛ از این‌رو تفکرات پوزیتیویستی با ملاحظهٔ آرای او در علمی که باید ونباید، تدبیر و تجویز و... ندارد، به وجد می‌آید و ایده‌های خود را در ارتباط با علم عمران موجه و مؤید می‌داند؛ زیرا او را مؤسس علم جامعه‌شناسی قلمداد می‌کنند. ولی باید دید چه نقدهایی بر تبیین‌ها و مبانی او وارد است که بنای نظریات او

براساس مبانی معرفتی را با مشکل مواجه کرده است؛ و با نقد مبانی معرفتی، مبانی نظری مبتنی بر آن مبانی نیز نقادی می‌شود.

درباره آرای ابن خلدون، مقالات و کتاب‌های بسیاری نوشته شده است، و از زوایای مختلف، اندیشه او را بررسی کرده‌اند. ولی بیشتر این پژوهش‌ها با مبنا و معیار علم مدرن به ابن خلدون پرداخته و او را ارزیابی کرده‌اند. محمدعلی شیخ در رساله جهان‌بینی ابن خلدون، نظام اجتماعی را از منظر ابن خلدون بررسی می‌کند، نحوه حضور عصیبت در جوامع بادیه‌نشین و شهرنشین را توضیح می‌دهد و عصیبت قبیله قریش و پایگاه ممتاز آن را که باعث تقوq آن قبیله بود، تبیین می‌کند. در این رساله، مبادی تفکر ابن خلدون بیان شده و اثرپذیری او از افلاطون و ارسطو و همچنین اشعریگری او که در بی‌اعتنایی وی به فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه متجلی است، بیان می‌شود. ایشان همچنین به روش استقرا و مشاهده ابن خلدون اشاره می‌کند و اعتقاد به نظریه کلی وی در فلسفه هولیس و نظریه روان‌شناختی گشتالت و منطق تناقض و همچنین واقع‌گرایی او را زمینه‌ای برای طرد مدینه فاضله می‌داند.

در مقاله «داوری در اندیشه‌های ابن خلدون درباره امام علی» و مسئله خلافت» نوشته امه طلب، نویسنده، مالکی بودن ابن خلدون را عامل پیوند تسنن با تصوف از طرف او می‌داند که نتیجه آن گرایش روایات تاریخی است و فقه مالکی همراه با نگرش صوفیانه، عاملی مؤثر در نگرش جبرگرایانه شمرده شده که سبب اعتقاد به موجبیت قطعی در حوادث تاریخی و پذیرش بدون نقد خلفاست. درواقع،

این مقاله از منظر کلامی به اندیشه ابن‌خلدون می‌نگرد که یکی از ابعاد ادعای تحقیق حاضر است.

ازجمله آثار نوشته‌شده درباره ابن‌خلدون، آثار مربوط به محمد عابد جابری است. واکنش جابری در برابر مدرنیته و روشنگری، مشخص‌کننده دستگاه فکری وی است. جابری در پروژه‌ای مانند نقد عقل عربی با دیدی انتقادی به میراث اسلامی و با بهره‌گیری از روش‌های نوین، در پی بازخوانی میراث اسلامی است. او مبنای آغاز این سنت‌کاوی را ابن‌خلدون قرار می‌دهد. پروژه جابری پروژه‌ای در زمینه نقادی عقلانیت اسلامی است. درواقع وی معتقد به بومی‌سازی مفاهیم، بدون غفلت از عقلانیت نوین و جهان معاصر است. خوانش وی از ابن‌خلدون براساس دو اصل گسست و پیوند است. وی ضمن آنکه ابن‌خلدون را در درون متن خود مطالعه می‌کند، او را معاصر ما هم می‌داند. جابری به‌نوعی درصدد احیای تفکر ابن‌خلدون است که به عقیده او ابن‌خلدون و برخی اندیشه‌های او می‌تواند در دنیای مدرن هم به کار گرفته شود؛ چراکه خلدونیت پروژه‌ای است ناتمام. به اعتقاد جابری، می‌توانیم بگوییم مقدمه ابن‌خلدون یگانه تألیف عربی است که هنگام مطالعه آن احساس می‌کنیم با ما سخن می‌گوید و عملاً از ماست و برای ماست.^۱

در کتاب اندیشه واقع‌گرای ابن‌خلدون، ناصف نصار مبنای اندیشه واقع‌گرایی ابن‌خلدون را به تصویر می‌کشد. او در این کتاب، در فضای کاملاً پوزیتیویستی مقدمه را بازخوانی می‌کند، و معرفی ابن‌خلدون و

۱. احمد فرادی، «برای ابن‌خلدون»، روزنامه شرق، ش ۱۵۱۸، ۱۳۹۱، ص ۹.

اندیشه واقع‌گرایی او در بافت جامعه‌شناختی مدرن است.^۱ ایو لاکوست در کتاب جهان‌بینی ابن‌خلدون، مقدمه را در زمینه‌ای کاملاً مدرن و براساس مدل زیربنا و روبنای مارکسیستی تفسیر می‌کند.^۲

بنابراین تحقیقات انجام‌شده، هرکدام به زوایایی از اندیشه ابن‌خلدون پرداخته‌اند: در برخی از این تحقیقات، به نقش عصیبت و نظام قبیله‌ای در تاریخ پرداخته شده و در برخی دیگر، نقش عقاید اشعری در اندیشه ابن‌خلدون تا حدودی بررسی شده است. ولی در همه آنها، تنها در مواردی جزئی به مسئله عصیبت و رابطه آن با نظام خلافت، به صورتی مبهم اشاره شده است که اصلاً چنین ایده‌ای به ذهن خطور نمی‌کند؛ زیرا زمینه‌های تاریخی - اجتماعی نظریه او مغفول می‌ماند و به نظریه ابن‌خلدون از منظر علم مدرن نگریسته می‌شود.

ازجمله پژوهش‌های صورت گرفته درباره ابن‌خلدون، کتاب ابن‌خلدون و علوم اجتماعی: وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی به قلم سیدجواد طباطبایی است. مسئله اصلی او در این کتاب، پرسش از شرایط و امکان تأسیس جامعه‌شناسی به طور خاص و علوم اجتماعی (به معنای جدید) به طور عام در تمدن اسلامی با تأکید بر ابن‌خلدون است.^۳ در راستای ایده نظری او مبنی بر شرایط امتناع اندیشه و تصلب سنت - که تنها با نقادی از سنت می‌توان به طور جدی با سنت روبه‌رو شد -

۱. ناصیف نصار، اندیشه واقع‌گرایی ابن‌خلدون، ترجمه یوسف رحیم‌لو.

۲. ایو لاکوست، جهان‌بینی ابن‌خلدون، ترجمه مهدی مظفری.

۳. سیدجواد طباطبایی، ابن‌خلدون و علوم اجتماعی: وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی، ص ۱۲.

با امکانات خود سنت_ابن‌خلدون به دلیل پای در سنت داشتن. نتوانست اندیشه سنتی را رها کند، لذا به افق‌های اندیشه مدرن متجانس با سنت روی آورد. از نظر طباطبایی، موانع معرفتی و شرایط امتناعی موجود در اندیشه ابن‌خلدون، به دلیل مقدمات ارسطویی و ساختار فقهی، «ذاتی» اندیشه دوره اسلامی است. برداشت ارسطویی از مفهوم طبیعت، در ساختار نظری کتاب طباطبایی نقش محوری دارد. او درصدد نشان دادن این نکته است که علوم اجتماعی از کنت تا دورکیم به لحاظ معرفت‌شناختی، مباین با مقدمه ابن‌خلدون و پیش‌فرض‌های آن است. از این‌رو تنها روش معرفت‌شناسی علوم اجتماعی را در قلمرو ایدئالیسم آلمانی قرار می‌دهد و به دلیل ارسطویی بودن مبانی معرفت‌شناختی ابن‌خلدون، وی را ناکام از تأسیس علوم اجتماعی جدید می‌داند. طباطبایی تحت تأثیر استدلال فلسفی عزیزالعظمه و با استناد به نقل جمله ارسطو مبنی بر مدنی بالطبع بودن انسان توسط ابن‌خلدون در مقدمه، استدلال می‌کند که ابن‌خلدون پایبند مفهوم ارسطویی طبیعت در نزد فیلسوفان دوره اسلامی است.^۱

طباطبایی با تمایزگذاری بین ابن‌خلدون به عنوان اندیشمندی مسلمان ولی نضج‌یافته در فضای ارسطویی و اندیشمندان علوم اجتماعی مدرن مانند دورکیم و کنت، به عنوان اندیشمندانی که در فضای پوزیتیویستی مدرن تنفس می‌کنند، به نقد ابن‌خلدون می‌پردازد که او با گرفتار آمدن در چارچوب سنت، موفق به تأسیس علوم اجتماعی جدید نشده است. این در

حالی است که پژوهش حاضر، قرائتی اشعری از ابن خلدون را نشان می‌دهد که به لحاظ معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی با مبنای استاد طباطبائی متفاوت، و بر مبنای معرفتی متفاوت با دیدگاه ارسطو استوار است.

از جمله مهم‌ترین کتاب‌های نوشته‌شده دربارهٔ مقدمهٔ ابن خلدون، کتاب *فلسفهٔ تاریخ ابن خلدون*، نوشتهٔ محسن مهدی است. مهدی در این کتاب با رویکردی اشتراوسی، به بحث دربارهٔ فلسفهٔ تاریخ ابن خلدون پرداخته است. هدف اصلی مهدی نشان دادن اثرپذیری عمیق ابن خلدون از سنت فلسفهٔ اسلامی و تفسیر آثار ابن خلدون به عنوان احیاگر فلسفهٔ ابن رشد است. وی ابن خلدون را هم در فلسفهٔ نظری و هم عملی، دارای ریشه‌ای عمیق در سنت فلاسفه^۱ و طرف‌دار آنان می‌داند که در فلسفهٔ سیاسی، پیرو افلاطون و در الهیات و طبییات دنباله‌رو ارسطو هستند. به عقیدهٔ مهدی، ابن خلدون شاگرد ابن رشد است که بنا به دلایلی مانند زندگی در جامعهٔ فلسفه‌ستیز، باید زو نظر سانسور سنت دینی کار کند و از ابراز آزادانهٔ عقاید خود بپرهیزد.^۲

مهدی با تکیه بر پنهان‌نگاری^۳ ابن خلدون، در جهت اثرپذیری ابن خلدون از جریان اصیل فلسفهٔ اسلامی استدلالاتی می‌آورد. به اعتقاد او، ابن خلدون، از سویی به دلیل فشارهای اجتماعی باید تظاهر به دیرنگاری کند؛ از سوی دیگر، تحقیقات فلسفی را پی بگیرد. به اعتقاد مهدی،

۱. یعنی متفکران اسلامی پیرو افلاطون و ارسطو.

۲. ر.ک: محسن مهدی، *فلسفهٔ تاریخ ابن خلدون*، ترجمهٔ مجید مسعودی، ص ۹۵.

3. Esotericism.

ابن‌خلدون طرف‌دار فلسفه سیاسی‌ای است که انتقاد او از فلسفه ناشی از اندیشه نوافلاطونی زمان خود بوده است، نه اندیشه اصیل ارسطویی.^۱ از نظر مهدی، ابن‌خلدون به دلیل فیلسوف بودن نه تنها با نبوت به عنوان منشأ نظام اجتماعی، بلکه همچنین با معنای آن و «تشریح جوهر نبوت» سروکار داشت. او معتقد است ابن‌خلدون پس از بررسی ماهیت نبوت از نظر مکملان، متوقف و فلاسفه، به نظریه فلاسفه نزدیک شده است.^۲

بر مبنای اصول اشعری که مبنای پژوهش حاضر است، شیوه ابن‌خلدون در تبیین نظریه نبوت، ارجاع به شرع است تا گرایش به سنت رایج در فلسفه اسلامی. او استدلال منطقی فیلسوفان در اثبات نبوت را مخدوش می‌داند و معتقد است این قضیه قابلیت اثبات برهانی توسط حکما را ندارد؛ زیرا موجودیت بشر، بدون پیامبران هم ممکن است. از این رو این مسئله به امور عقلی مربوط نیست، بلکه از راه شرع اثبات می‌شود.^۳

حاصل اینکه، طباطبایی قرائتی ارسطویی از ابن‌خلدون دارد و او را به دلیل پای در سنت داشتن، از منظر ارسطویی با عطف توجه به معنای طبیعت و جایگاه انسان در منظومه خلدونی و مقایسه آن با منظومه ارسطویی نقد می‌کند. محسن مهدی هم ابن‌خلدون را در فضای ارسطویی و فلسفی دیده و بی‌توجه به مبانی معرفتی وی، او را متأثر از

۱. ر.ک: رضا قائمی‌نیک، «فلسفه تاریخ ابن‌خلدون»، مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۴۴ و

۴۵، آبان و آذر ۱۳۹۰، ص ۴۹-۵۲.

۲. محسن مهدی، فلسفه تاریخ ابن‌خلدون، ترجمه مجید مسعودی، ص ۱۱۱-۱۲۸.

۳. عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ج ۱، ص ۵۵-۵۶.

آخرین نماینده فلسفه اسلامی در غرب یعنی فلسفه ابن رشد دانسته و موضع ابن خلدون را بازخوانی کرده است. نکته مهم در اندیشه این دو اندیشمند، تفاوت مبنایی خوانش آنان از ابن خلدون با خوانش تحقیق حاضر است: خوانش نوع اول ارسطویی و فلسفی از نوع ابن رشدی و خوانش دوم از نوع اشعری و فضای حاکم بر آن است.

پژوهش حاضر قصد دارد با توجه به زمینه‌های تاریخی - اجتماعی عصر ابن خلدون به عنوان اندیشمندی مسلمان در فضای اشعری، که نظریاتش در چارچوب فضایی شکل گرفته است و با به وجود آوردن ظرفیت‌های خاص، ظرفیت قرائت‌های سکولار را از بین می‌برد، اندیشه او را ارزیابی کند. مسلماً اندیشه ابن خلدون مانند هر تفکر دیگری متأثر از مبادی و مبانی کلامی، فلسفی و فضای زندگی اوست. از این رو در این تحقیق سعی شده است با در نظر گرفتن عقبه ذهنی، فکری و اجتماعی ابن خلدون، نظریات او با توجه به زمینه‌های تاریخی - اجتماعی آن بررسی شود، که نگاهی نو به این موضوع است و هیچ‌کدام از تحقیقات از این منظر به مسئله پرداخته‌اند. بنابراین هم به لحاظ روش - شناسی، هم به لحاظ اصل موضوع و هم به لحاظ مبنای انتقادی، پیشنهادی برای این تحقیق وجود ندارد.

مهم‌ترین اهداف تحقیق حاضر عبارت است از:

۱. ترسیم ظرفیت‌ها و ضرورت‌های علم اجتماعی کلام اشعری؛
۲. بررسی مبنایی وجودی معرفتی و وجودی غیرمعرفتی (زمینه‌های اجتماعی - تاریخی) ابن خلدون و نشان دادن نمودهای آن در علم عمران؛

۳. نقد نظریه خلافت ابن‌خلدون از منظر اجتماعی - تاریخی با توجه به مبانی معرفتی او در سپهر اندیشه اسلامی و اهل سنت و با توجه به بسترهای اجتماعی - تاریخی؛

۴. خوانش اندیشه و نظریه ابن‌خلدون در چارچوب مبانی معرفتی اسلامی و تمایز آن با اندیشه‌های مدرن.

این پژوهش با جهت‌گیری بنیادی و با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی می‌کوشد نشان دهد که چگونه ابن‌خلدون نظام خلافت را در سپهر اندیشه اهل سنت با صورت اجتماعی تبیین می‌کند. از این‌رو با مبنا قرار دادن مقدمه، مهم‌ترین اثر ابن‌خلدون به عنوان منبع دست‌اول و کتب و مقالاتی که درباره نظریه‌های ابن‌خلدون نوشته شده است، با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی به توصیف و تحلیل نظریه ابن‌خلدون خواهد پرداخت.

جامعه‌شناسی تاریخی رویکردی است که در آن با توجه به وقایع تاریخی زمان گذشته، اصول قابل‌شمول استخراج می‌شود.^۱ این رویکرد، متأثر از هم‌گرایی تاریخ و جامعه‌شناسی پس از تحولات روش‌شناختی مطالعاتی عصر رنسانس در علوم اجتماعی است که در فرایند دوری و نزدیکی آن در طی قرون هجده و نوزده میلادی نهایتاً به ضرورت تقابل منطقی همکاری این دو حوزه در قرن بیستم میلادی منجر شد و پس از تجربه‌های فراوان محققان در این سده، به نوعی التقاط‌گرایی در رشته و احیای جامعه‌شناسی تاریخی در ۱۹۸۰ میلادی به عنوان مطالعات

۱. جوزف روسک و رولند وارن، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، ص ۲۹۴؛ باقر ساروخانی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲، ص ۲۱۵، ۲۱۷ و ۲۲۴.

بین‌رشته‌ای انجامید. بنابراین در جامعه‌شناسی تاریخی، هدف محقق، یافتن قواعد حاکم بر تغییرات اجتماعی در گذشته است؛ هدف اصلی این است که گزارش‌هایی از روند تغییر جوامع در گذشته و حال ارائه نماید، به این امید که چنین تلاش‌هایی بتواند به ساخت مدل اصلاح‌شده کلی کمک کند و رابطه حل‌نشده بین رویدادها و ساخت‌ها آشکار شود.^۱

بنابراین جامعه‌شناسی تاریخی نزدیک‌ترین حوزه مطالعاتی جامعه‌شناسی با دانش تاریخ است که در بررسی پدیده‌ها به اصل تعمیم روی می‌آورد. از خلال منشورهای طبقه، قومیت، جنسیت و...، به ساختارهای اجتماعی می‌نگرد، با استفاده از داده‌های تاریخی و به یاری الگوهای جامعه‌شناسی، با نوعی نگاه بین‌رشته‌ای درصدد است ساختارهای یک عرصه تاریخی در دوره نسبتاً طولانی را بررسی کند^۲ و درنهایت به قوانین کلی و جهان‌شمول دست یابد. بنابراین با توجه به ظرفیت‌های این رویکرد، می‌توانیم لایه‌های متعدد قومی- قبیله‌ای را که در فرهنگ جامعه عربی - اسلامی باعث شکل‌گیری رفتارهایی در تحولات سیاسی - اجتماعی شده است، بررسی کنیم که با استفاده از آنها، ابن‌خلدون توانسته است نظریاتش را ارائه دهد. از این منظر می‌توانیم اصول کلی و عام حاکم بر تفکر ابن‌خلدون در تدوین علم عمران را که ناظر به نظریه خلافت اوست، استخراج کنیم.

۱. پیتر برک، تاریخ و نظریه اجتماعی، ترجمه غلام‌رضا جمشیدیها، ص ۱۶۳.

۲. جان فوران، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران: از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین، مقدمه ناشر، ص ۱۰.